



# عوامل دگرگونی آیین نظامی فدراسیون روسیه

الهه کولایی / سارا روا<sup>۱</sup>

۱. خانم الهه کولایی استاد و مدیرگروه مطالعات منطقه‌ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران  
ekolaee@ut.ac.ir

۲. خانم سارا روا دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران  
(تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۱۲ تاریخ تصویب: ۹۴/۵/۲۷)

این مقاله از یک طرح پژوهشی که در گروه پژوهشی مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران اجرا شده، استخراج شده است.

## چکیده

امنیت ملی در دوره حکومت‌های پساوستفالیایی از مهم‌ترین حوزه‌های موردتوجه به‌شمار می‌آید. آیین نظامی، چگونگی شرکت نیروهای نظامی در لشکرکشی‌ها، عملیات، نبردها و درگیری‌ها را به‌طور مختصر بیان می‌کند. در واقع آیین نظامی، راهنمای اعمال نظامی است و شامل قواعد سریع و تغییرناپذیر نمی‌شود، بلکه یک چارچوب عمومی برای نیروهای نظامی است که به استاندارد شدن عملیات نظامی و آمادگی نیروها کمک می‌کند. روسیه در جایگاه وارث امپراتوری شوروی، با توجه به مشکلات بسیاری که در جمهوری‌های پیرامونی و غرب دارد، آیین نظامی خود را سامان می‌دهد. این آیین نه‌تنها در دوران اتحاد شوروی، بلکه پیش از آن هم در این کشور بسیار اهمیت داشته است. تفاوت آیین نظامی پس از فروپاشی شوروی با آیین دوران امپراتوری، این است که انعطاف‌پذیر شده است و شاهد تغییر ماهیت «سند نظامی» یا «آیین نظامی» فدراسیون روسیه از هنگام انتشار نخستین نسخه رسمی آن، تا جدیدترین نسخه آن هستیم. آیین نظامی روسیه از جمله سندهای راهبردی مهم در این کشور است که افزون‌بر جهت‌گیری‌های نظامی، نوع نگاه سیاست‌گذاران این کشور را در مناسبات خارجی نیز بازتاب می‌دهد. پرسش اصلی این نوشتار این است که عوامل دگرگونی در آیین نظامی فدراسیون روسیه چیست؟ فرضیه نویسندگان این است که عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی سبب دگرگونی در آیین نظامی روسیه شده‌اند. نویسندگان مقاله، بررسی خود را به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از کتاب‌ها و مقاله‌های فارسی و انگلیسی در این زمینه و بهره‌گیری از اسناد امنیتی روسیه از منابع اینترنتی انجام داده‌اند.

### ▪ واژگان کلیدی:

روسیه، ناتو، غرب، آیین نظامی، خارج نزدیک

## مقدمه

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ و تشکیل فدراسیون روسیه مستقل، دیدگاه و رویکرد سیاسی - نظامی روسیه به جهان، تحولات بسیار جدی را پذیرا شده است. روند این تغییر از دوره بوریس یلتسین با نگرش مثبت در مورد لیبرال دموکراسی، نهادهای اقتصادی غربی و یکپارچه شدن روسیه با اروپا آغاز شد. در دوران ولادیمیر پوتین و قدرت گرفتن ملی گرایان امپراتوری خواه و «اوراسیاگرایان»، عقب گرد چشمگیری ایجاد شد. گروه دوم از یک سو می کوشد چه با ایجاد همگرایی بیشتر در میان بخشی از جمهوری های پیشین اتحاد شوروی پیرامون محور مسکو و چه با استفاده از تحرک های جدایی طلبانه روس تبارها در این کشورها، بار دیگر به مناطق پیرامونی و راهبردی امپراتوری شوروی دست یابد. از سوی دیگر، تشدید نگرانی های امنیتی مسکو از اهداف غرب در مورد منافع روسیه، مانند گسترش ناتو به شرق، استقرار سامانه سپر دفاع موشکی در مرزهای روسیه و حمایت غرب از «انقلاب های رنگی» در کشورهای پیشین اتحاد شوروی، سبب شد بار دیگر مانند دوران جنگ سرد، رویکرد نظامی در مقابل غرب در مسکو تقویت شود. در روند این دگرگونی ها، «آیین نظامی<sup>۱</sup>» روسیه به طور اساسی دچار تحول شد. از آنجاکه فدراسیون روسیه، به طور سنتی اقتدار ملی خود را در قدرت نظامی جستجو می کند، آیین نظامی آن از جمله اسناد مهم به شمار می آید. این سند که ترسیم کننده جهت گیری ها و سیاست های دفاعی - نظامی روسیه است، حوزه های دیگر را هم تحت تأثیر قرار می دهد و علاوه بر منافع ملی<sup>۲</sup> روسیه، بر ترتیبات امنیتی منطقه ای و سیاست امنیتی - نظامی غرب نیز تأثیرگذار است.

فدراسیون روسیه پس از به قدرت رسیدن ولادیمیر پوتین تلاش کرده است بار دیگر جایگاه گذشته خود در دوران «اتحاد شوروی» را به دست آورد. از یک سو، اشتیاق کرملین برای به دست آوردن دوباره سرزمین های وسیعی که با عنوان «جمهوری های شوروی» در

---

1. Military Doctrine  
2. National Interest

اختیار داشت و از سوی دیگر، نگرانی‌های امنیتی مسکو از اهداف غرب در گسترش ناتو<sup>۱</sup> به سوی شرق و مرزهای فدراسیون روسیه، سبب شد که این کشور بار دیگر مانند دوران شوروی، دیدگاه و رویکرد نظامی را در برابر تحولات پیرامون خود، مورد توجه قرار دهد.

در این زمینه شاهد تغییر ماهیت «سند نظامی» یا «آیین نظامی» فدراسیون روسیه از هنگام انتشار نخستین نسخه رسمی آن در سال ۱۹۹۳، تا جدیدترین نسخه آن در سال ۲۰۱۵ هستیم. آیین نظامی فدراسیون روسیه از جمله اسناد راهبردی مهم در این کشور است که افزون بر جهت‌گیری‌های نظامی، نوع نگاه سیاست‌گذاران در مناسبات خارجی نیز در آن بازتاب دارد. تاکنون چهار آیین نظامی، تدوین و تصویب شده است. در آیین نخست (۱۹۹۳)، گرایش همکاری با غرب آشکار بود. در آیین دوم (۲۰۰۰) به سیاست‌های غرب با دید منفی نگریسته شده بود که پس از رخداد‌های ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ اندکی تعدیل شد. در آیین سوم (۲۰۱۰) نیز به سیاست‌های اروپایی - اقیانوس اطلس شمالی به‌عنوان تهدید نگاه شد. حمله نظامی روسیه به گرجستان در سال ۲۰۰۸، برنامه‌های امریکا در زمینه گسترش ناتو به سوی شرق و طرح استقرار سپر دفاع موشکی، در شکل‌گیری این نگرش روسیه تأثیرگذار بود. آخرین آیین نظامی روسیه در سال ۲۰۱۴، واکنشی به مجازات‌های اقتصادی و فشار سیاسی غرب به مسکو بر سر بحران اوکراین و همچنین طرح‌های نظامی غرب بود.

در مقاله‌ها و کتاب‌هایی که در حوزه آیین نظامی روسیه نوشته شده، به دلایل تغییر و سیر تحول این مسئله پرداخت نشده است. نویسندگان این مقاله این روند را بررسی کرده و دلایل آن را عنوان می‌کنند. پرسش اصلی این نوشتار این است که عوامل دگرگونی در آیین نظامی فدراسیون روسیه چیست؟ فرضیه نویسندگان این است که عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی سبب دگرگونی در آیین نظامی روسیه شده‌اند. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از کتاب‌ها و مقاله‌های فارسی و انگلیسی در این زمینه و به‌ویژه با بهره‌گیری از اسناد امنیتی روسیه از منابع اینترنتی انجام شده است.

## ۱. از واقع‌گرایی تا واقع‌گرایی تهاجمی

سیاست خارجی فدراسیون روسیه منعکس‌کننده بسیاری از ایده‌های اساسی واقع‌گرایی است (Wieclawski, 2011: 173). در بسیاری از موارد، مفهوم نقش دولت مرکزی در روابط بین‌الملل، هدف بودن قدرت و منافع ملی و همچنین اهمیت سیاست قدرت در جهان را می‌توان در سیاست خارجی این کشور مشاهده کرد (Griffiths, 2007: 12-13).

**منافع ملی:** مفهوم منافع ملی در سیاست خارجی کشورها در دوران پس از جنگ جهانی دوم و تحت تأثیر آموزه‌های مکتب واقع‌گرایی<sup>۱</sup> بسیار مورد توجه قرار گرفت. در این دوران هانس‌جی مورگانتا<sup>۲</sup> نظریه واقع‌گرایی سیاست‌های بین‌المللی را بر پایه مفهوم منافع ملی بنا نهاد. مورگانتا منافع ملی را آن‌دسته از منافع تلقی می‌کند که دولت‌ها در یک دوره زمانی خاص و در پرتو شرایط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، سیاست خارجی خود را بر مبنای آن تنظیم می‌کنند و در روابط خود با سایر کشورها در پی تحقق آن هستند. در این مورد، منافع ملی روسیه تصویری روشن از توزیع جدید قدرت بوده است که روند گسترش ناتو، افزایش حضور امریکا در اروپا و تغییر شرایط نفوذ سیاسی امریکا در آسیای مرکزی پس از فروپاشی شوروی همراه با عملیات امریکا در افغانستان مصادیق آن هستند (Homarac, 2007: 182-185).

**امنیت ملی<sup>۳</sup>:** امنیت ملی، مهم‌ترین اصل در ثبات سیاسی و استقلال یک کشور یا یک واحد سیاسی است و بقای هر کشور، تمامیت ارضی و ثبات و استمرار حکومت آن، بستگی به امنیت ملی آن کشور دارد. اهمیت این موضوع به حدی است که برخی امنیت ملی را پیش‌شرط تأمین سایر اهداف ملی می‌دانند (Mangold, 1990: 1). امنیت ملی مفهومی است سیال، گسترده، پیچیده و مبهم که در مورد تعریف آن توافق واحدی وجود ندارد و پژوهشگران، بیشتر بر مصادیق آن مانند حفظ خود، ارزش‌های حیاتی، تمامیت ارضی، مردم، بقای کشور، ثبات سیستم سیاسی و اجتماعی و حاکمیت کشور، نبود ترس از خارج و

1. Realism

2. Hans J. Morgenthau

3. National Security

داخل در مورد حفظ منافع ملی تکیه دارند. به علاوه باید دانست که برداشت هر کشوری از امنیت ملی با توجه به شرایط داخلی، منطقه‌ای و جهانی آن شکل می‌گیرد. در تعریف امنیت همچنین باید به ابعاد گوناگون سیاسی، نظامی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن توجه داشت. برای درک بهتر مفهوم امنیت ملی اشاره به ویژگی‌های این مفهوم راهگشا خواهد بود.

با توجه به تهدیدهای نظامی موجود علیه امنیت ملی روسیه، این کشور تاکنون چهار مجموعه آیین نظامی در سال‌های ۱۹۹۳، ۲۰۰۰، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۴ طرح و تدوین کرده است. به نظر می‌رسد آیین‌های نظامی روسیه بیش از هر چیز ریشه در اصول واقع‌گرایی دارد که بر سیاست خارجی این کشور حاکم است. در نخستین آیین نظامی روسیه (۱۹۹۳) با توجه به غرب‌گرایی حاکم بر سیاست خارجی روسیه و وجود تهدیدهای امنیتی برای این کشور که بیشتر ناشی از بحران‌های داخلی بود، و منازعات قومی و واگرایی‌های محلی در داخل روسیه، امکان بروز هرگونه مناقشه نظامی خارجی منتفی دانسته می‌شد. روسیه در این آیین تأکید کرده بود که هیچ دشمن خارجی در صحنه جهانی ندارد و تنها منافع ملی این کشور از نظر مقام‌های روسیه در اولویت قرار دارد. با نگاهی به موارد تهدید امنیت ملی روسیه در این آیین، می‌توان دریافت که روسیه به دنبال حل و فصل مسائل داخلی بوده و امنیت ملی، اولویت نخست این کشور بوده است.

در دومین آیین نظامی (۲۰۰۰)، روسیه هم‌زمان به دنبال منافع و امنیت ملی خود بود و مفاد این آیین بیشتر جنبه تدافعی داشت. گسترش ناتو به سوی شرق از مهم‌ترین مسائلی بوده که امنیت روسیه را تهدید می‌کند، از این رو در این شرایط این کشور باید برای تأمین منافع خود، به صورت فردی اقدام می‌کرد.

سومین آیین نظامی روسیه (۲۰۱۰) که در دوره مدودف، رئیس‌جمهور فدراسیون روسیه به امضا رسید، حکم مربوط به «استراتژی امنیت ملی روسیه تا سال ۲۰۲۰» را با هدف هماهنگ کردن تلاش‌های نهادهای فدرال قوه مجریه، نهادهای حکومتی زیرمجموعه فدراسیون روسیه، سازمان‌ها و شهروندان فدراسیون روسیه برای تأمین امنیت ملی تأیید کرد.

چهارمین آیین نظامی روسیه (۲۰۱۴) را می‌توان بر مبنای واقع‌گرایی تهاجمی<sup>۱</sup> تحلیل و بررسی کرد. در این آیین، نزدیک شدن تأسیسات نظامی ناتو به مرزهای روسیه و گسترش این پیمان به سوی شرق، نشان‌دهنده تلاش غرب برای افزایش قدرت تهاجمی راهبردی است. روسیه به این باور رسیده است که نگاه غرب به این کشور، به‌عنوان شریک یا حتی طرف مستقل نیست، بلکه سعی در جلوگیری از تبدیل شدن روسیه به یک قدرت مهم بین‌المللی دارد. در رهیافت واقع‌گرایی تهاجمی، بر افزایش قدرت به‌منزله هدف و برای کسب جایگاه هژمونیک در نظام بین‌الملل (به‌عنوان رفتار اصلی قدرت‌های بزرگ) تأکید می‌شود. این دسته از واقع‌گرایان به مسئله امنیت به‌عنوان محور و پایه اصلی بحث‌هایشان می‌پردازند، که در این حوزه به مسائلی چون امنیت بین‌المللی، بقا، موضوع‌های امنیتی مبتنی بر محور نظامی، خوداتکایی در تأمین امنیت، دولت‌محوری در مرجع امنیت و آنارشی<sup>۲</sup> توجه می‌شود.

بر مبنای نظریه‌های واقع‌گرایانه، سیاست خارجی واقع‌گرای تهاجمی، در پی افزایش قدرت نسبی دولت‌ها در صحنه نظام بین‌الملل است (Mersheimer, 2001: 12). بر این اساس ماهیت هرج‌ومرج‌گونه نظام بین‌الملل به‌شکلی است که دولت‌ها همواره در پی افزایش قدرت نسبی خود هستند و در این روند، سعی می‌کنند قدرت رقبایشان را کاهش دهند. در سیاست خارجی تهاجمی، دولت‌ها خواستار افزایش امنیت خود از راه کاهش عامدانه امنیت سایر دولت‌ها هستند.

## ۲. دگرگونی در آیین نظامی روسیه

اگر واژه آیین نظامی در غرب کم‌وبیش معنای گسترده‌ای دارد، در ادبیات روسی دارای تعریفی کاملاً مشخص است. این مفهوم دارای دو بخش اجتماعی-سیاسی و نظامی - فنی است. آیین نظامی روسی دربردارنده دیدگاه رسمی درباره جنگ، نیروی نظامی، و آمادگی برای جنگ است و شاید بتوان آن را «سیاست امنیتی - نظامی» نیز خواند. آیین نظامی

1. Offensive Realism  
2. Anarchy

روسیه، آمادگی برای جنگ و دارای فرضیه‌های فلسفی است که رهبران آن درباره جنگ دارند (کولایی، ۱۳۹۲: ۲۹۵). این آیین در تعریف رسمی، ترکیبی از دیدگاه‌های رسمی (دستورهای) نظامی-سیاسی، نظامی-استراتژیک و نظامی-اقتصادی برای ارتقای امنیت نظامی است (Savelye, 2008: 153). این سند، راهنمای فعالیت‌های نظامی و مرجعی عمومی برای همه نیروهای نظامی این کشور است. ریشه آیین نظامی روسیه به دوران امپراتوری تزاری در سده نوزدهم و به‌ویژه سال‌های پس از جنگ روسیه و ژاپن (۱۹۰۶-۱۹۰۵) بازمی‌گردد. با وقوع انقلاب اکتبر و اهمیت یافتن جایگاه «جنگ و نیروی نظامی» برای بلشویک‌ها، بحث در مورد آیین نظامی و تدوین اصول و قواعد آن، به موضوعی اساسی تبدیل شده و میخائیل فرونزه<sup>۱</sup> مسئول تدوین آن شد. او اصول پیشنهادی خود را در یازدهمین کنگره کمونیست در آوریل ۱۹۹۲ مطرح کرد که با تغییرهایی به تصویب رسید. پس از آن، سیاست نظامی شوروی بر مجموعه‌ای بسیار گسترده از اندیشه‌های نظامی مبتنی بود که به‌عنوان آیین نظامی شناخته می‌شد. همواره سیاست حزب کمونیست و دولت شوروی در عرصه نظامی تحت تأثیر آیین نظامی بوده است. تحولات فکری، علمی و فنی سال‌های پایانی دهه ۱۹۸۰، به تحول آیین نظامی روسیه شدت بخشید. سپس فروپاشی اتحاد شوروی، تغییرهایی سازمانی، عملیاتی، فنی و نظامی جدی را در پی داشت. بنابراین آیین نظامی در روسیه همیشه نقش مهم و ویژه‌ای داشته است. این آیین، وجه‌هنجاری و حتی بیشتر، حقوقی دارد که اجرای آن در سازمان‌های دولتی مربوط الزام‌آور است. آیین نظامی اشاره به این دارد که، در صورت مورد تهدید قرار گرفتن روسیه، دولت و نیروهای مسلح چگونه به مقابله با این چالش برخاسته و چه سیاست‌هایی را اجرا خواهند کرد. آیین نظامی باید اجماع نخبگان در مورد سرشت جنگ‌های معاصر، تهدیدها و سیاست‌های موردنیاز برای مقابله با این تهدیدها و چالش‌ها را در نظر داشته باشد (Blank, 2006: 100). ولادیمیر پوتین به‌عنوان رئیس‌جمهور، برای رویارویی با چالش‌های محیط استراتژیک پس از ۱۱ سپتامبر به‌طور منظم آیین نظامی را پیگیری کرده است. آیین نظامی به‌عنوان عنصری مهم در سیاست امنیت ملی روسیه، تأکید می‌کند که نیروهای روسی باید آمادگی هر نوع مبارزه‌ای با تروریسم به‌شکل متعارف یا حتی هسته‌ای



را داشته باشند. ستاد کل نیز تأکید می‌کند که نیروهای مسلح باید قادر به تحمل هر دو جنگ منطقه‌ای یا محلی باشند (Ivanov, 2014). آیین نظامی روسیه متشکل از مجموعه دیدگاه‌های رسمی دولت برای جنگ و پیشگیری از آن، آماده‌سازی کشور و نیروهای مسلح برای سرکوب تجاوز و دفاع از حاکمیت آن است.

### ۱-۲. آیین نظامی ۱۹۹۳

پس از آنکه ارتش به یلتسین کمک کرد که بر مخالفان خود در پارلمان غلبه کند، سند آیین نظامی جدید در نوامبر ۱۹۹۳ به‌عنوان نخستین آیین نظامی روسیه جدید به فرمان یلتسین، تدوین و به‌تصویب شورای امنیت کشور رسید. این سند که به‌عنوان آیین دوره انتقالی مطرح شد و تا سال ۱۹۹۹ همچنان باقی ماند، چهره‌ای صلح‌طلب از روسیه ارائه کرده و درعین‌حال، سندی مبهم است. در واقع ما شاهد نوعی تحول و حرکت به‌سمت سبک امریکایی اسناد راهبردی روسیه هستیم. به این معنا که برخلاف دوره شوروی، آیین نظامی نه بالاترین سند، که پایین‌تر از سند امنیت ملی و تا حدودی همانند امریکا است. این آیین نظامی، دارای ماهیتی تدافعی بود و تأکید می‌کرد که روسیه هیچ دشمنی ندارد و از هیچ ایدئولوژی خاصی حمایت و دفاع نمی‌کند. همچنین در آن به شیوه‌های غیرنظامی حل اختلاف و مناقشه، و ویژگی بازدارنده تسلیحات هسته‌ای تأکید شده است. این سند، حمله‌ای از سوی غرب یا جنگ جهانی را پیش‌بینی نمی‌کرد و مهم‌ترین منبع خطر را جنگ‌های محلی و منازعات منطقه‌ای می‌دانست (کرمی، ۱۳۸۹: ۶۹-۶۸).

### ۲-۲. آیین نظامی ۲۰۰۰

در این سند، بند جدیدی به‌چشم می‌خورد که در آیین‌های نظامی گذشته دیده نشده بود. اصول نظامی-اقتصادی که به‌طور مشخص در آن ذکر شده بود، جدال پنهان دو گروه مهم در رأس حکومت را نشان می‌داد. عده‌ای در روسیه با این عقیده که روسیه باید از نظر اقتصادی رشد کند تا بتواند خود را به‌عنوان ابرقدرت در فضای بین‌الملل به‌رخ بکشد، این بند را افزودند. این آیین، برای نخستین‌بار برای روسیه تهدیدهای آب‌وهوایی و نگرانی از درگیری‌های ژئوپلیتیکی را یادآور شده است. هدف ذکرشده در این سند، اطمینان از توسعه سازمان نظامی برای حفاظت از منافع ملی روسیه و امنیت نظامی روسیه و متحدانش بوده

است. در بعد داخلی نیز، اصلاحات دموکراتیک و اقتصاد مختلط، مدنظر طراحان این آیین بوده است. در بعد بین‌المللی، روسیه به دنبال ایجاد فضای چندقطبی بوده، که این امر به معنای آن است که این کشور به دنبال احیای جایگاه خود به عنوان ابرقدرت در نظام بین‌الملل است. روسیه خود را مکلف به رعایت موازین حقوق بین‌الملل می‌داند و به اصول اساسی آن احترام می‌گذاشت (Russia's Military Doctrine, 2000).

### ۲-۳. آیین نظامی ۲۰۱۰

آیین نظامی سال ۲۰۱۰ نشان‌دهنده پایبندی روسیه به حفاظت از منافع ملی با استفاده از ابزارهای سیاسی، دیپلماتیک، حقوقی، اقتصادی، زیست‌محیطی، اطلاعاتی و نظامی است. هدف‌هایی که در این سند منتشر شده‌اند، عبارتند از جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی و پیشگیری از درگیری‌های نظامی و دفاع و حفظ امنیت روسیه. در بعد داخلی، هدف، ایجاد وضعیت پایدار و نیمه‌دموکراتیک داخلی با سیستم قدرت متمرکز عنوان شده است. در این دوره روسیه در مورد روابط بین‌المللی دیدگاه بدبینانه‌ای پیدا کرده بود و معتقد بودند که ساختار امنیتی موجود، امنیت برابر برای همه کشورها را تأمین نمی‌کند. بسیاری از درگیری‌ها در مناطق هم‌مرز با روسیه بدون راه‌حل باقی مانده‌اند و نیازمند نیروی قوی برای حل آن هستند. در این سند، روسیه استفاده از نیروهای نظامی برای دفع تجاوز در برابر خود و متحدانش را حق خویش می‌داند و حفظ امنیت روس‌های خارج از روسیه نیز در آن بسیار مهم ارزیابی شده است. هم‌زمان، گسترش ناتو به سمت شرق و حوزه خارج نزدیک، خطری جدی محسوب شده که بی‌ثباتی منطقه را به همراه خواهد داشت.

### ۲-۴. آیین نظامی ۲۰۱۴

به گفته تحلیل‌گران روس، تهدیدهایی جدیدی علیه روسیه ایجاد شده است و این امر سبب می‌شود که آیین نظامی سال ۲۰۱۰ مورد بازبینی قرار گیرد. در این سند هدف، همان هدف سال ۲۰۱۰ بود و در بعد داخلی نیز همان سیاست سال ۲۰۱۰ ادامه می‌یابد. نزدیک شدن تأسیسات نظامی ناتو به مرزهای روسیه و گسترش این پیمان به سوی شرق، نشان از تلاش غرب برای افزایش قدرت تهاجمی راهبردی است. لذا روسیه موضع تدافعی به خود

می‌گیرد. پیوستن کشورهای مستقل هم‌سود<sup>۱</sup> از جمله اوکراین نیز از سوی روسیه اقدامی خصمانه تلقی می‌شود.

### ۳. عوامل داخلی

#### ۳-۱. تغییر نگرش از اروآتلانتیک‌گرایی به اوراسیاگرایی و عمل‌گرایی

پس از به‌قدرت رسیدن یلتسین در روسیه، اروآتلانتیک‌گرایی تبدیل به دیدگاه غالب در این کشور شد. این دیدگاه، غرب را نه در مقابل، بلکه شریک طبیعی روسیه می‌انگاشت و بر همگرایی همه‌جانبه با غرب و تثبیت جایگاه روسیه به‌عنوان کشوری «هنجارمند» و شریکی قابل‌اعتماد در جامعه کشورهای متمدن تأکید می‌کرد. از سوی دیگر، اوراسیاگرایی، گفتمان خود را ترجمان شاخص‌های ویژه ژئوپلیتیک و فرهنگی روسیه دانسته و بر ضرورت ایجاد موازنه میان سمت‌گیری‌های شرقی و غربی تأکید می‌کرد (کولایی، ۱۳۹۲: ۲۶۸-۲۶۶).

در پی ناکارآمدی این دو گفتمان و استمرار رویکرد تهاجمی غرب به‌ویژه امریکا علیه روسیه، پریماکوف<sup>۲</sup> و طیف هم‌اندیش وی، با مخالفت با ایده نظام تک‌قطبی مورد ادعای واشنگتن، به طرح و عملیاتی کردن نظریه نظام چندقطبی مبادرت کردند. آنها با تأکید بر هویت متفاوت فرهنگی و ژئوپلیتیکی روسیه، بر آن بودند که راهبرد سیاست خارجی مسکو نباید بر آرمان تبدیل شدن به جزئی از دنیای غرب، بلکه باید بر اصل تبدیل آن به یک قطب قدرت مستقل از نظام چندقطبی، استوار شود (Tsygankov, 2006: 158). هرچند هریک از این گفتمان‌ها با سودای جبران «عقدۀ تحقیر ملی»، تلاش‌های بسیاری را در عرصه خارجی به‌کار بستند، اما به‌دلیل برخی کاستی‌های سیاسی و فکری، به‌ویژه آرمان‌گرایی بیش‌ازحد و سازگار نبودن اندیشه‌های آنها با شرایط تحول‌پذیر بیرونی و نیز بهبود نیافتن شرایط داخلی و بین‌المللی، در تحقق هدف خود که بازگشت جایگاه روسیه در عرصه بین‌الملل بود، ناکام ماندند (کولایی و نوری، ۱۳۸۹: ۲۱۱).

1. CIS  
2. Primakov

از اواخر دهه ۱۹۹۰ ولادیمیر پوتین<sup>۱</sup> با تأکید بر اندیشه قدرت بزرگ مدرن هنجارمند، به‌عنوان منتقد اصلی سیاست خارجی پریماکوف که از نظر او جاه‌طلبانه، ایدئولوژیک، تقابل‌جویانه و ضدغربی بود، ظاهر شد. او ضمن توجه جدی به ضرورت سازگاری در عرصه خارجی، سه اصل نوسازی اقتصادی، دستیابی به موقعیت شایسته در فرایند رقابت جهانی و بازگشت جایگاه روسیه در عرصه بین‌الملل به‌عنوان قدرت بزرگ را مبنای سیاست خارجی خود قرار داد. پوتین با اتخاذ رویکردی عمل‌گرایانه<sup>۲</sup> که در عین توجه به ضرورت‌ها، بر قابلیت‌های روسیه نیز تأکید داشت، به عملیاتی کردن این اهداف همت گماشت (Trenin, 2004).

### ۲-۳. خارج نزدیک

«خارج نزدیک» برای روسیه دارای اولویت نخست است و حوزه منافع حیاتی آن شمرده می‌شود. از دیدگاه روسیه، رهبران غربی باید منافع مشروع روسیه را در این منطقه به‌رسمیت بشناسند. در پی آن، روسیه خود را ضامن امنیت نظامی و ثبات سیاسی این کشورها می‌داند؛ بنابراین این کار برای روسیه نوعی «مسئولیت ویژه امنیتی»<sup>۳</sup> تلقی می‌شود و باید اقدام‌هایی برای حفظ و تأمین صلح انجام دهد. براساس این برداشت، روسیه در پی تحولاتی که برای جمهوری‌های عضو جامعه کشورهای مستقل هم‌سود رخ داده، ناچار از پذیرش الزام‌های یادشده است. در فرایند شکل‌گیری ساختارها در منطقه اوراسیا پس از فروپاشی اتحاد شوروی، روسیه حفظ منافع خود را در گرو ایفای سیاست فعال و سازنده در تعیین سیاست‌های آتی نظامی، سیاسی و اقتصادی در «خارج نزدیک» می‌داند (کولای، ۱۳۹۲: ۳۰۵). برخی از حوادثی که منافع روسیه را در این منطقه به‌خطر انداختند عبارتند از: میان روسیه و اوکراین بر سر نیروهای نظامی و به‌ویژه دریای سیاه اختلاف‌هایی اساسی رخ داد؛ مشکلاتی در مولداوی به‌وجود آمد؛ و جنگ در گرجستان و آذربایجان نیز شرایط را دشوارتر کرد. اما هنگامی که تاجیکستان درگیر جنگ داخلی شد، نیروهای روسیه در حمایت از کمونیست‌های این کشور وارد جنگ شدند. پیروزی ملی‌گرایان افراطی و کمونیست‌ها در انتخابات پارلمانی سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۵، شرایط را برای توجه به خارج

1. Vladimir Putin  
2. Pragmatic  
3. Special Security Responsibility

نزدیک آماده‌تر کرد؛ توجهی که به دلیل دیدگاه اروآتلانتیکی برخی از مقام‌های روسی کاهش یافته بود.

در آیین نظامی سال ۲۰۱۴ روسیه، به تهدید کشورهای بی‌ثبات هم‌مرز یا متحدان آن و استقرار نیروهای خارجی از جمله کشورهای تهدیدکننده امنیت ملی روسیه اشاره شده و امنیت روسیه نیز هم‌سو با امنیت منطقه‌ای تعریف می‌شود. کریستف بلوت<sup>۱</sup>، تحولات اساسی ایجاد شده در آیین نظامی سال ۲۰۱۴ شوروی را به این شرح بیان کرده است: جلوگیری از جنگ، جنگ ادامه سیاست نیست؛ امنیت، امری چندجانبه و متقابل است؛ شیوه‌های اصلی افزایش امنیت، سیاسی هستند؛ شیوه‌های حفظ امنیت نظامی و فنی نیز باید ماهیت تدافعی داشته باشند؛ و سرانجام اینکه نیروهای نظامی اتحاد شوروی باید براساس اصل «بسنندگی خردمندان» تحول یابند (Bluth, 1996: 19). یکی از اصول آیین نظامی جدید بر نفی کامل جنگ تأکید داشت. تعریف امنیت به شکل نوین و با ویژگی چندجانبه و متقابل بودن، این بازخورد را خواهد داشت که امنیت کشورهایی که برای روسیه مفهومی استراتژیک دارند، از اولویت بالایی برخوردار باشد. بحث تحکیم مرزهای شوروی در شرایط جدید اهمیت بسزایی برای روسیه داشته است (Markedonov, 2015).

### ۳-۳. بنیادگرایی در روسیه

ظهور بنیادگرایی اسلامی و بروز خشونت در قفقاز شمالی و آسیای مرکزی برای سیاست امنیتی روسیه اهمیت فراوانی دارد. افراط‌گرایی اسلامی و روابط آن با افغانستان، پاکستان و دیگر کشورهای اسلامی، تبدیل به تهدیدی جدی برای امنیت روسیه شده و بنیادگرایی اسلامی به‌عنوان عامل خیزش و قیام برخی از مناطق، علیه دولت مرکزی، همواره دولت روسیه را زیر فشار قرار داده است. بحران‌های اجتماعی-اقتصادی، اختلاف‌های قومی، مبارزه قدرت میان گروه‌های خواستار توزیع دوباره قدرت و کاهش کنترل دولت، زمینه‌های مساعدی را برای بنیادگرایی فراهم کرده‌اند. ظهور عامل اسلام در مبارزه‌های قومی-ملی، تهدیدی جدی برای تمامیت ارضی، و جنگ‌های محلی و منازعات منطقه‌ای،

1. Christopher Bluth

تهدید مهمی علیه منافع و امنیت ملی روسیه هستند. به‌هرحال «تروریسم» و «بنیادگرایی» تبدیل به تهدیدهایی جدی علیه نظم و قوانین داخلی روسیه شده‌اند. دو گروه مهم ساکن منطقه خاسایورت، گرایش‌های بنیادگرایی دارند و با داعش بیعت کرده‌اند. باین‌حال داعش به تعهدات خود در مورد شبه‌نظامیانی که حمایت خود را از این گروه اعلام کرده‌اند، وفادار نمانده است. *ایمن‌الطواهری* از اعلام اسامی شورشیان مسلح اسلامی در قفقاز شمالی به‌عنوان اعضای شبکه تروریستی در سراسر جهان امتناع می‌کند (Vatchagaev, 2013: 195). همین نیروهای جدایی طلب در روسیه از خطرهای بالقوه برای این کشور محسوب می‌شوند و روسیه بارها بارها اعلام کرده است که برای مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی مصمم است. بند ۱۳ آیین نظامی ۲۰۱۴، فعالیت‌های سازمان‌های تروریستی را در قالب خطرهای اصلی نظامی داخلی طبقه‌بندی کرده است. کشورهای غیراسلامی از مسلمانان کشورهای مختلف برای رسیدن اهداف خود استفاده می‌کنند. آلمانی‌ها و انگلیسی‌ها در دوره جنگ اول و دوم جهانی از این رویکرد استفاده کردند. امریکایی‌ها هم در افغانستان در دهه ۱۹۸۰، *سامه‌بن‌لادن* و دیگر اسلام‌گرایان را برای مقابله با تهاجم شوروی به این کشور به‌کار گرفتند (Goble, 2016: 214).

#### ۴. عوامل منطقه‌ای

حتی اگر برداشت از خطرها و تهدیدها با تمرکز بر ناتو و در رأس آن امریکا به شدت گذشته باشد، به‌معنی آن نیست که این تهدیدها محدود به غرب است، بلکه خطرهای فراملی - که جزئیات بیشتر آن در آیین سال ۲۰۱۰ ذکر شده - از جمله افراط‌گرایی و تروریسم جهانی، جرم و جنایت مرزی، و قاچاق سازمان‌یافته اسلحه و مواد مخدر نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند و روسیه نگران انتقال آثار این تهدیدها به سرزمین خود است. بدترین موارد قاچاق مواد مخدر از افغانستان انجام می‌شود که روسیه را آسیب‌پذیر می‌کند. همچنین کرملین نگران خروج نیروهای آیساف<sup>۱</sup> و افزایش تحرک‌های سازمان‌های اسلامی است (Klein, 2015). روسیه همواره نگران انتقال بحران‌های منطقه‌ای به داخل کشور خود

1. International Security Assistance Force

بوده و از این رو همواره در بندهای آیین نظامی این کشور می‌توان سایه این بحران‌ها و روش‌های مقابله با آن را مشاهده کرد.

#### ۴-۱. بحران گرجستان

اقدام نظامی گرجستان برای تسلط بر منطقه جدایی‌طلب اوستیای جنوبی و جمهوری خودمختار آبخازیا در تابستان ۲۰۰۸ بحرانی تازه را در «خارج نزدیک» ایجاد کرد. پشتیبانی روسیه از این دو منطقه و شناسایی یکجانبه استقلال آنها، تنش‌هایی را در روابط روسیه با غرب به‌ویژه آمریکا ایجاد کرد. علاقه روسیه به حفظ پایگاه‌های نظامی دوران شوروی در خاک گرجستان و پافشاری گرجستان بر تخلیه این پایگاه‌ها، از علل تنش در روابط دو کشور در دو دهه گذشته بوده است. دخالت‌های روسیه در این دو منطقه سبب شده این ایده که اوستیای جنوبی و آبخازیا از موانع بالقوه پیوستن گرجستان به ناتو و اتحادیه اروپا است، به‌طور فزاینده‌ای مطرح شود. در تابستان ۲۰۱۵، بار دیگر مسئله مرزی میان دو کشور مطرح شد. عادی‌سازی روابط گرجستان و روسیه در اواخر سال ۲۰۱۲، دشوار بود. اگرچه بروز رویارویی‌های جدید کم شده بود، هر دو آماده بودند خط قرمز خود را در مورد وضعیت آبخازیا و اوستیای جنوبی یا همکاری با ناتو کنار بگذارند. درک نامتقارن مسکو و تفلیس از مرز، مسئله مهمی است. مرز ساخته‌شده، از نظر روسیه یک مشکل جزئی منطقه‌ای محسوب می‌شود، اما در گرجستان از مسائل مهم سیاسی است. در حالی که برای مسکو تفاوت ۱۰۰ و ۳۰۰ متر ناچیز محسوب می‌شود، برای سیاستمداران و کارشناسان گرجی به‌دلیل وسعت کم این کشور، این ابعاد قابل‌ملاحظه است (Fenenko, 2015).

شاید بتوان بازتاب بحران گرجستان را در یکی از بندهای آیین نظامی ۲۰۱۰ یافت. در بند ۸ سند ۲۰۱۰، از ایجاد کانون‌های درگیری‌های مسلحانه و گسترش این درگیری‌ها به مناطق کشورهای مجاور با فدراسیون روسیه و متحدان آن، به‌عنوان خطرهای اساسی نظامی خارجی یاد شده است. شاید سرایت این بحران به جمهوری‌های جدایی‌طلب فدراسیون روسیه یکی از نگرانی‌های اصلی این کشور باشد.

## ۲-۴. بحران اوکراین

اعلام استقلال اوکراین به عنوان دومین جمهوری بزرگ عضو اتحاد شوروی سابق که بیش از ۵۲ میلیون نفر جمعیت داشته و منابع طبیعی و ذخایر معدنی مهمی در اختیار دارد، ابتدا با مخالفت شدید یلتسین روبه‌رو شد. وی اوکراین را بخش جدایی‌ناپذیر اتحاد شوروی می‌دانست (کولایی، ۱۳۹۲: ۲۵۵)؛ در مقابل، امریکا و ناتو مخالف تبدیل روسیه به قدرت بلامنازع منطقه‌ای هستند. روند بحران یادشده از دید واشنگتن این بود که روسیه حاکمیت ملی اوکراین را نقض کرده است و در این مورد، بحث امنیت انرژی اروپا را مطرح می‌کنند. کارشناسان شورای امنیت ملی روسیه، آیین و راهبرد امریکا را ضدروسی خوانده‌اند (Kureev, 2013). دخالت‌های امریکا و غرب در حوزه خارج نزدیک روسیه به‌ویژه اوکراین سبب شد که روسیه برای حفظ منافع کشورش در منطقه وارد درگیری شود. شاید بتوان حضور روسیه در درگیری داخلی اوکراین را در قالب خطرهای خارجی و نظامی اصلی در آیین نظامی ۲۰۱۴ روسیه طبقه‌بندی کرد. در بند ۱۲ این سند، خطرهای خارجی و نظامی موجود برای روسیه در چند بخش عنوان شده‌اند. آیین نظامی جدید (۲۰۱۴) تصریح می‌کند که نظامی‌گری ناتو تهدیدی برای امنیت ملی روسیه به حساب می‌آید که پاسخ مناسب از سوی روسیه را می‌طلبد. پس از بحران اوکراین، موازنه ناتو و روسیه افزایش یافت. دولت اوکراین که پیشتر بر عدم تعهد پافشاری می‌کرد، پس از اعتراض‌های خشونت‌آمیز و برکناری دولت یانوکوویچ<sup>۱</sup>، دولت غرب‌گرای پوروشنکو<sup>۲</sup> را جانشین او کرد. مقام‌های جدید کیف پیوستن به ناتو را با این ادعا پیگیری می‌کنند که نیازمند حفاظت در برابر روسیه هستند (Savelyev, 2008: 95). استراتژی نظامی روسیه، کاهش خطر درگیری نظامی با امریکا را دنبال می‌کند (Fenenko, 2015). اختلاف روسیه با اوکراین و زورآزمایی غرب و شرق در این بحران، نتیجه‌ای جز الحاق کریمه به روسیه نداشت. اختلاف اوکراین و روسیه، بازتاب تغییرهای موازنه قدرت در دریای سیاه و ظرفیت بیشتر روسیه در کنترل آب‌های آن است. توجه ویژه این سند (۲۰۱۴) به قطب شمال و پیشنهاد این منطقه به عنوان منطقه

---

1. Yanukovich  
2. Poroshenko



اقتصادی میان قدرت‌های حوزه قطب پیش از رخداد‌های اوکراین، مذاکراتی در سطوح بالا را به دنبال داشت. علاوه بر عرصه نظامی، اقیانوس منجمد شمالی تنها خروجی نامحدود روسیه به اقیانوس اطلس است. از این مطالب می‌توان نتیجه گرفت که روسیه مقاصد تهاجمی ندارد و در سیاست کشورهای ثالث دخالت نمی‌کند (Markedonov, 2015). روسیه با گسترش ناتو به شرق آن هم در حوزه خارج نزدیک خود در اوکراین و استقرار سامانه موشکی، تهدید بالقوه غرب علیه خود را معنادار تفسیر کرد.

### ۳-۴. اتحادیه اقتصادی اوراسیا

روسیه از اتحادیه اقتصادی اوراسیا به عنوان اهرم اصلی خود برای ایجاد یکپارچگی و نفوذ در فضای پساشوروی استفاده می‌کند. باین حال، پروژه بعدی روسیه، یکپارچه‌سازی اعضای کشورهای هم‌سود است. روسیه سه سیاست مؤثر را پس از فروپاشی شوروی دنبال کرده است. ابتدا تحکیم موقعیت دولت‌های گروه اول را در اولویت قرار داده و در راستای این هدف، تأسیس جامعه اقتصادی اوراسیا<sup>۱</sup> در سال ۲۰۰۲ در جهت اهداف اقتصادی، و در حوزه سیاسی-نظامی نیز سازمان پیمان امنیت جمعی<sup>۲</sup> در سال ۲۰۰۳ تشکیل شد. شکست طرح فضای مشترک اقتصادی<sup>۳</sup> سبب رسیدن مسکو به دو نتیجه ناخوشایند شد. نخست اینکه کرملین اطمینان یافت که که غرب توان و نیروی خود را برای جلوگیری از پروژه‌های یکپارچه‌سازی مسکو در کشورهای مستقل هم‌سود به کار خواهد گرفت. دوم اینکه در هیچ‌یک از کشورها جز اوکراین، مانعی برای ادغام وجود ندارد. برای گروه دوم از کشورها، روسیه درصدد عادی‌سازی روابط و نزدیک‌تر شدن به هسته یکپارچگی برآمد. بزرگ‌ترین موفقیت مسکو در این زمینه، فروپاشی مشارکت امریکا و ازبکستان در اوایل سال ۲۰۰۰ بود. اوج این موفقیت، پیوستن ازبکستان به سازمان پیمان امنیت جمعی بود. روسیه با دادن امتیازهایی همکاری انرژی با ترکمنستان را در سال ۲۰۰۳ طراحی و راه‌اندازی کرد. گفتمان مستقل ارمنستان با ناتو در سال ۲۰۰۴ برای روسیه ناخوشایند بود. روابط مسکو با گروه سوم از کشورها (آذربایجان، مولداوی، اوکراین و گرجستان) مبهم بود. در سال ۲۰۰۱

1. EurAsEC

2. CSTO

3. Common Economic Space

جمهوری آذربایجان روابط عادی با روسیه را به‌عنوان کشور متعادل کننده از سر گرفت. روسیه در اوکراین موفق به ارتباط‌گیری با حزب رقیب دولت تیموشنکو<sup>۱</sup> شد. در مولداوی روسیه نقش میانجی در درگیری بین کی‌شینف<sup>۲</sup> و تیراسپل<sup>۳</sup> را بازی کرد و برقراری روابط حسنه با بخارست<sup>۴</sup> را در دستور کار خود قرار داد و تنها به‌دلیل رخدادهای اوت ۲۰۰۸، با گرجستان رابطه خوبی برقرار نکرده است. مشکل اصلی، ایجاد روابط با گروه سوم است. جایی که اتحادیه اروپا و آمریکا بر شدت این اوضاع دامن می‌زنند. روسیه بر این دیدگاه است که ناتو در حال گسترش نفوذ خود در گرجستان، مولداوی و اوکراین است. این مشارکت به‌معنی عبور از خط قرمز مسکو تلقی می‌شود. در طرح مشارکت شرقی اتحادیه اروپا که در سال ۲۰۰۹ و با حضور شش کشور ارمنستان، روسیه سفید، مولداوی، اوکراین، گرجستان و جمهوری آذربایجان راه‌اندازی شد، یک مفهوم اقتصادی با هدف یکپارچه‌سازی این کشورها پس از فروپاشی شوروی دنبال شده است. سه هدف مسکو در آینده نزدیک قابل‌شناسایی است: تحکیم سیاست اتحادیه گمرکی و پروتکل اتحادیه اقتصادی اوراسیا؛ مبارزه با نخبگان ضدروسیه در ازبکستان و جمهوری آذربایجان و به میزان کمتر در ترکمنستان، حفظ وضعیت بی‌طرفی در منازعات اوکراین، مولداوی و گرجستان. روابط با کشورهای گروه دوم برای روسیه از اهمیت بیشتری برخوردار است. در سال‌های آتی مقرر شد اهمیت فضای پساشوروی افزایش یابد. در همان حال به‌نظر می‌رسد مناقشه اوکراین به‌عاملی برای چانه‌زنی میان مسکو و واشنگتن تبدیل شده است (Markedonov, 2015).

#### ۴-۴. بحران سوریه

بازگشت روسیه به خاورمیانه در همان سال‌های ابتدایی پس از فروپاشی اتفاق افتاد. با معرفی پریماکف به‌عنوان وزیر امور خارجه یلتسین در نیمه دهه ۱۹۹۰، بازگشت روسیه به خاورمیانه آغاز شد. رخدادهای نشان داده بود که نگاه خوش‌بینانه غرب‌گراها در روسیه کارساز نیست. به‌ویژه اینکه مسائل داخلی هم زمینه تقویت نگرش اوراسیایگرای را فراهم کرد؛

---

1. Tymoshenko  
2. Chisinau  
3. Tiraspol  
4. Bucharest

مسائلی که پایه‌اش توجه به هویت روسی، ژئوپلیتیک روسیه و در واقع ویژگی‌های اختصاصی این کشور است که منافع روسیه را از غرب جدا می‌کند. با اینکه غرب‌گراها از زمان گورباچف<sup>۱</sup> سعی کردند پیوندها و منافع مشترک روسیه و غرب را برجسته کنند، ولی خیلی زود مشخص شد که امریکایی‌ها حاضر نیستند منافع خاص روسیه را به رسمیت بشناسند. روند رخدادها در پیرامون روسیه، خیلی سریع ناکارآمدی این دیدگاه را مشخص کرد. روسیه بسیار زود به خاورمیانه بازگشت. این کشور منافع گوناگونی را در خاورمیانه جستجو می‌کند که با ویژگی‌های ژئوپلیتیکی آن ارتباط مستقیم دارد. حضور حدود ۲۰ میلیون مسلمان در روسیه و جنگ چین، اهمیت رابطه با جوامع اسلامی را برای روس‌ها مشخص کرد و بهار عربی نیز سبب تحول در سیاست خارجی روسیه شد. ضمن اینکه روس‌ها به روشنی پذیرفته‌اند که باید از ظرفیت‌های ژئوپلیتیک خود برای مهار امریکا به منظور تأمین منافع خود استفاده کرده و نباید هیچ مماشاتی در این زمینه نشان دهند. روسیه با ورود به جنگ در سوریه در پی تهیه کارت برای بازی‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود است. روس‌ها می‌خواهند به امریکایی‌ها بقبولانند که باید به علایق روس‌ها توجه کنند (کولایی، ۱۳۹۴). در پی حمله‌های تروریستی داعش در سراسر خاورمیانه و اروپا، دیپلمات‌های روسیه و رسانه‌های روس‌زبان در تلاشی پیگیر نشان می‌دهند که غرب بدون همکاری امنیتی روسیه قادر به مهار تروریسم نیست. این خواسته روسیه را باید در چارچوب شناخت منافع روسیه از سوی امریکا برآورد کرد.

مسائلی که در لیبی رخ داد، به روسیه نشان داد که به غرب باخته و متحد سنتی خود را از دست داده است. در موضوع لیبی امریکا برای اقدام نظامی، منتظر اجماع جهانی و صدور قطعنامه بین‌المللی نشد. در مورد مسائل سوریه یا یمن و به‌ویژه در رابطه با موضوع برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی، روس‌ها به این نتیجه رسیدند که تمرکز بر حوزه جغرافیایی پیرامون نباید مانع توجه ویژه آنها به سایر عناصر ژئوپلیتیکی شود. بخشی از پایداری سیاست روسیه در برابر سوریه، به تجربه اشغال عراق بازمی‌گردد. روس‌ها با همه مخالفتی که در کنار آلمانی‌ها و فرانسوی‌ها داشتند، نتوانستند از اقدام نظامی امریکا

---

1. Gorbachev

جلوگیری کنند. امریکایی‌ها بدون توجه به این مخالفت‌ها، سیاست خود را در عراق دنبال کردند و منافع عظیم اقتصادی و سیاسی روسیه در عراق را بر هم زده و موازنه روابط سنتی روسیه با عراق را تغییر دادند. بندر ترئوس در سوریه برای نیروهای نظامی دریایی روسیه بسیار اهمیت دارد. در واقع ترئوس، تنها پایگاه در منطقه مدیترانه در حوزه آب‌های گرم است که برای روسیه اهمیت استراتژیک دارد. مسائل و مشکلات روسیه در دریای سیاه در مورد بندر سوواستوپول با اوکراین در این زمینه قابل اشاره است (کولابی، ۱۳۹۴).

## ۵. عوامل بین‌المللی

### ۵-۱. تغییر ماهیت جنگ امریکا

سند اولیه آیین نظامی به «خطرها» و تا حدی تهدیدهای موضوعی مربوط بود. این سند با تأکید بر تروریسم بین‌المللی و یا سلاح‌های کشتار جمعی و مانند آن، همراهی بیشتری با درک غربی از ادبیات تهدید داشت. در این سند نگاه به آینده اندک بود و تعریف از محیط امنیتی براساس هیجان پس از فروپاشی ایجاد شده بود. این پیش‌نویس، شروع یک حرکت قاطعانه‌تر به سوی رویارویی سیاست امنیتی روسیه، به‌شکلی متفاوت با لحن دفاعی و صلح‌آمیز آخرین آیین نظامی روسیه در سال ۱۹۹۰ بود. این جهت‌گیری در راستای رهبری روسیه در حل منازعات و همکاری نظامی در داخل کشورهای مستقل هم‌سود<sup>۱</sup> بود. جنگ امریکا و عراق با تغییر سرشت جنگ (جنگ هوشمند، جنگ موج سوم، استفاده از ماهواره‌ها، سیستم‌های پیچیده شناسایی، جنگ الکترونیک، مسئله غافلگیری، برتری مطلق هوایی، تحول در شیوه جنگیدن، لزوم تحول ساختار نیروهای نظامی، کاهش کمی و افزایش کیفی) و نظام بین‌المللی جدید (نظم نوین جهانی موردنظر بوش پدر) مطرح شد (کرمی، ۱۳۸۹: ۶۶). آیین نظامی سال ۱۹۹۲ روسیه این تغییرها را بررسی کرد. بر این اساس، دو تهدید اصلی، یعنی حمله نیروهای نظامی خارجی به جمهوری‌های پیشین شوروی، و استقرار نیروهای نظامی در جوار مرزهای روسیه، مدنظر قرار گرفتند. سه نوع جنگ در این سند تعیین شده بود: جنگ جهانی، غیرمحمتمل، جنگ‌های منطقه‌ای کاملاً

1. CIS

محتمل و جنگ داخلی کاملاً پذیرفته شده برآورد شده بود. در نوع دوم و سوم، جنگ‌های گسترده با کاربرد سلاح‌های متعارف مطرح بود. این آیین، ماهیتی تدافعی داشت و در آن بر شیوه‌های غیرنظامی حل اختلاف‌ها و بازدارندگی تسلیحات هسته‌ای تأکید شده بود (کولایی، ۱۳۹۳: ۲۹۷).

پاتروشف<sup>۱</sup> (دبیر وقت شورای امنیت فدراسیون روسیه) با نكوهش سیاست خارجی این کشور علیه امریکا بیان می‌کند که واشنگتن در پی مهار روسیه در مرزهای آن و بهره‌برداری برای منافع خود است. پس از آن، روسیه در آیین سال ۲۰۱۰ نگرانی خود را از خطر انقلاب رنگی ابراز و انقلاب‌های رنگی را تهدید بالقوه‌ای برای روسیه برآورد کرد (McDermott, 2016: 214). رویکرد امریکا برای حمایت از انقلاب‌های رنگی در خارج نزدیک را می‌توان از نگرانی‌های مهم این سند در مورد تغییر سرشت حضور در این منطقه دانست.

## ۲-۵. گسترش ناتو تا مرزهای روسیه

در سال ۱۹۹۳ نقشه راه ناتو برای گسترش به سوی شرق، نه تنها شرق و مرکز اروپا، بلکه روسیه را نیز دربر می‌گرفت. پذیرش لهستان، مجارستان و جمهوری چک و نه کشور دیگر در چارچوب همین برنامه بود. به این ترتیب، روسیه خود را در محاصره تهدیدهای غرب یافت و بار دیگر ناتو تهدید تلقی شد (Baker, 2002: 102). آیین نظامی روسیه در سال ۲۰۰۰ ناتو را به عنوان تهدید مورد بررسی قرار می‌دهد. در آیین نظامی سال ۲۰۱۰ روسیه به گسترش نفوذ سازمان یافته غرب و تهدیدهایی مانند سلاح‌های کشتار جمعی، تروریسم جهانی و نقض قوانین بین‌المللی واکنش نشان داد. در این مدت، پاسخ روسیه در جنگ اوستیای جنوبی در گرجستان شکل گرفت. روسیه تمرکز خود را بر محور قطب شمال افزایش داد. در اصل این سند نقطه عطفی پس از فروپاشی اتحاد شوروی بود. رویکرد و روش روسی با نگاه اقتصادی – امنیتی به جهان، تا حدی تغییر کرد. در این میان، افزایش نقش روس‌گرایان در برابر غرب‌گرایان در روسیه، موجب اتخاذ رویکردی قوی در تهیه سندی بیشتر سیاسی-امنیتی شد (کلینی، ۱۳۹۳). در چارچوب گسترش ناتو تا مرزهای روسیه، در آیین نظامی سال ۲۰۱۴،

مسئله لزوم همکاری نظامی نزدیک میان روسیه و جمهوری‌های پیشین شوروی، چین، هند و امریکای لاتین مطرح شد. تأکید ویژه در این زمینه بر همکاری با روسیه سفید، آبخازیا و اوستیای جنوبی است (McDermott, 2016: 212).

بخش دوم ماده ۱۵ آیین نظامی سال ۲۰۱۴ به روابط ناتو و روسیه اشاره دارد و از اختلال در توازن قدرت با توجه به گسترش اتحاد و تلاش ناتو برای سرپیچی از قوانین بین‌المللی صحبت می‌کند. روسیه همچنین بر توسعه همکاری با چین به‌عنوان یک بازیگر مهم برای ثبات در منطقه و جهان تأکید دارد که این امر مطابق با دیدگاه توسعه جهانی در مرحله فعلی با افزایش رقابت‌های جهانی، تنش در مناطق مختلف، تعامل بین‌دولتی و بین‌منطقه‌ای، ارزش و الگوهای توسعه رقابتی و فرایندهای توسعه اقتصاد سیاسی بی‌ثبات در جهان و در پس سطوح منطقه‌ای مشخص می‌شود. در واقع استراتژی امریکا و روسیه در آینده، رقابت برای نفوذ در هند و شرق خواهد بود (Kureev, 2013). در آیین جدید، تقویت نظامی ناتو و گسترش آن تا مرزهای روسیه، مهم‌ترین تهدید خارجی برای امنیت روسیه به‌شمار می‌رود.

سند سال ۲۰۱۴ نشان‌دهنده ذهنیت یک دولت محاصره‌شده در تمامی ابعاد است. ژنرال والری گراسیموف<sup>۱</sup> می‌گوید، غرب و سازمان ناتو در تلاش برای زیر فشار قراردادن کشور ما در همه حوزه‌ها و منافع حیاتی ما است. این فعالیت‌ها شامل تلاش برای کاهش سرعت توسعه روسیه در زمینه‌های علمی - فنی در مناطق مهم استراتژیک، کاهش ظرفیت نظامی-اقتصادی روسیه در میان بازیگران دیگر و همچنین حضور نظامی ناتو در نزدیکی مرزهای روسیه است. تهدیدها علیه روسیه عبارتند از: دفاع موشکی یا تلاش برای بی‌اثر کردن ظرفیت تهاجمی نیروهای هسته‌ای روسیه، تجمع ناتو در نزدیکی مرزهای روسیه، مفهوم امریکایی حمله سریع جهانی، فعالیت‌های سرکوب‌گرایانه میهن‌پرستی، رشد تروریسم جهانی و افراط‌گرایی، نفوذ اطلاعاتی در میان مردم روسیه با توجه به تضعیف سنت‌های تاریخی و میهن‌پرستانه، ارائه کمک‌های مالی خارجی به نیروهای سیاسی داخلی و جنبش‌های عمومی، تهدید به دست‌اندازی به منافع انرژی روسیه در قطب، اقدام مسلحانه

1. Valery Gerasimov

در کشورهای همسایه و ایجاد شرکت‌های نظامی خصوصی در مرزهای روسیه. در این سند از همکاری‌های دفاعی آبخازیا و اوستیای جنوبی یاد شده و همچنین همکاری نظامی مشترک در چارچوب سازمان همکاری شانگهای برای ایجاد سیستم دفاع موشکی که پیش از این با غرب دنبال شده بود، در نظر گرفته شده است، که می‌تواند به مثابه هشدار به ناتو و امریکا باشد. وزیر دفاع روسیه مسئله همکاری امنیتی با چین را برای حفظ امنیت در آسیا مطرح کرد و با بیان اینکه جرقه‌های انقلاب‌های رنگی در این منطقه، افزایش حمایت از تروریسم اسلامی در جنوب شرقی و آسیای مرکزی بوده، در شرایط بین‌المللی ناپایدار در چارچوب یک همکاری به تقویت روابط با همسایگان خود می‌پردازد (Blank, 2016: 104).

### ۳-۵. تغییر نگرش روس‌ها در مورد کشورهای اروپایی

امریکایی‌ها و کشورهای بزرگ اروپایی، باعث تغییر نگرش رهبران روسیه شدند. رفتارهای آنها، چه در حوزه خارج نزدیک و چه در موضوع گسترش ناتو به سوی شرق، به‌طور فزاینده‌ای به بدبینی و بی‌اعتمادی روس‌ها دامن زده است. آنچه امروز شاهد آن هستیم، تغییر اساسی در نگرش روسیه در مورد جهان پیرامون و روابط آن با کشورهای غربی و به‌ویژه امریکا است. روس‌ها که روزگاری ناتو را تهدید نمی‌دانستند، امروز به‌روشنی آن را برای کشور خود نه تهدید، که یک خطر معرفی کرده و ناتو را دشمن روسیه تلقی می‌کنند. این نگرش و رفتار، نتیجه تجربه بیش از دو دهه گذشته پس از فروپاشی اتحاد شوروی برای رهبران روسیه است که باعث شده روس‌ها استفاده از همه منابع قدرت خود را که به‌ویژه در سطح سیستم‌های استراتژیک و سلاح‌های هسته‌ای برتری آن آشکار می‌شود، مورد توجه قرار دهند.

مانور نظامی هسته‌ای روسیه و نمایش قدرت این کشور، در امتداد تلاش‌های ولادیمیر پوتین در سال‌های اخیر، برای استفاده از منابع قدرت روسیه در دفاع از منافع بوده که مسکو برای خود قائل شده است. با اینکه پس از فروپاشی اتحاد شوروی، روس‌ها انتظار داشتند به‌عنوان شریکی برابر در بازی‌های جهانی حضور پیدا کنند، اما در تحولات دو دهه اخیر، پی‌بردند که امریکا چنین موقعیت و جایگاهی را برای روسیه نپذیرفته و منافع خاصی که روس‌ها برای خود، حتی در حوزه خارج نزدیک، یعنی در جمهوری‌های پیشین اتحاد

شوروی قائل هستند را نیز به رسمیت نمی‌شناسد. بنابراین آنچه در آیین نظامی جدید روسیه انعکاس یافت و مورد تأیید پوتین قرار گرفت، یا اقدام‌هایی که در اوکراین در حال انجام است، در واقع تداوم سیاست‌ها و نگرش‌هایی است که در بیش از دو دهه گذشته در کرملین تکامل یافته است (کلینی، ۱۳۹۳).

### نتیجه‌گیری

آیین نظامی روسیه را می‌توان براساس نظریه واقع‌گرایی بررسی کرد. اصل منافع ملی و امنیت ملی در واقع‌گرایی بسیار اهمیت دارد و از عناصر اصلی و کلیدی است. براساس اعلامیه شورای امنیت فدراسیون روسیه، عواملی چون گسترش ناتو، طرح سپر دفاع موشکی، تحولات «بهار عربی» و اوضاع سوریه و اوکراین، کرملین را به بازنگری در آیین نظامی روسیه واداشت. در آیین جدید، توصیف کرملین از ویژگی توسعه جهانی معاصر، تغییر کرده است. طبق تعریف جدید: «ویژگی توسعه جهانی در دوره معاصر، تشدید رقابت جهانی و تنش‌ها در سطوح مختلف همکاری‌های دوجانبه و منطقه‌ای، رقابت ارزش‌ها و الگوهای توسعه، بی‌ثباتی روندهای توسعه اقتصادی و سیاسی در سطوح جهانی و منطقه‌ای در شرایط پیچیده‌تر شدن روابط بین‌الملل است. تقسیم دوباره و تدریجی حوزه نفوذ به‌نفع مراکز جدید رشد اقتصادی و سیاسی در حال رخ دادن است». بی‌تردید، یکی از این مراکز رشد اقتصادی مورد نظر روسیه، کشور چین است.

در بخش مهم‌ترین خطرها و تهدیدهای نظامی خارجی، تعداد تهدیدها در مقایسه با آیین پیشین از ۱۱ مورد به ۱۴ مورد افزایش یافته و علاوه بر تهدیدهایی چون گسترش ناتو و برهم خوردن موازنه استراتژیک هسته‌ای و موشکی با گسترش سامانه‌های دفاع موشکی، افراط‌گرایی و تروریسم که در آیین ۲۰۱۰ نیز آمده بود، برای نخستین بار مواردی چون آیین «ضربه جهانی»؛ شرکت‌های نظامی خصوصی خارجی؛ استفاده از فناوری ارتباطات و رسانه در راستای اهداف نظامی - سیاسی؛ روی کار آمدن رژیم‌های نامشروع در کشورهای همسایه؛ اقدام‌های خرابکارانه سازمان‌های اطلاعاتی خارجی و ائتلاف آنها علیه روسیه نیز به‌عنوان مهم‌ترین تهدیدهای خارجی مطرح شده‌اند. به‌عنوان راهکارهای روسیه برای تقابل با این



تهدیدها، برای نخستین بار بر مواردی مانند دفاع از منافع ملی فدراسیون روسیه در قطب شمال؛ تحکیم همکاری‌ها با آبخازیا و اوستیای جنوبی؛ توسعه روابط با اعضای گروه «بریکس»؛ گفتگوی مبتنی بر حقوق برابر با اتحادیه اروپا و ناتو در مورد امنیت اروپا؛ مشارکت در ایجاد الگوی جدید امنیت در منطقه آسیای جنوب شرقی؛ سیستم بازدارندگی غیراتمی؛ کاهش خطر استفاده از فناوری ارتباطات برای مقاصد نظامی-سیاسی؛ تقویت توان بسیج نیروها؛ متمرکز شدن دولت و جامعه بر دفاع از وطن و طراحی و اجرای برنامه‌هایی برای افزایش آمادگی نظامی و حس میهن پرستی شهروندان فدراسیون روسیه تأکید شده است.

در بررسی اصول حاکم بر سیاست خارجی روسیه که عموماً از واقعیت‌های موجود در نظام و سیاست بین‌الملل و محیط پیرامون روسیه سرچشمه می‌گیرد، می‌توان دریافت که رابطه معناداری میان اصول واقع‌گرایی و آموزه‌های نظامی روسیه وجود دارد. در این میان، روسیه می‌کوشد از یک سو روابطش را با غرب متعادل کند و از سوی دیگر، نقش مؤثر خود را به رخ کشیده و اهمیت خود را برای غرب ثابت کند. به همین سبب طی سال‌های گذشته، سیاست خارجی روسیه نمایانگر استفاده از تمام ابزارهای موجود برای رسیدن به مقاصد این کشور بوده است. بنیاد عمل‌گرایی در سیاست خارجی روسیه بر پایه منافع ملی و کارآمدی اقتصادی تدوین شده است.

## منابع

### الف) فارسی

- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۹)، *آیین نظامی روسیه*، تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
- کلینی، فرهاد (۱۳۹۳)، «رویارویی با ناتو در آیین نظامی روسیه»، *دیپلماسی ایرانی*، در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1942427>.
- کولایی، الهه (۱۳۹۲)، *سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه*، تهران: وزارت امور خارجه.
- کولایی، الهه (۱۳۹۲)، *اتحاد شوروی از تکوین تا فروپاشی*، تهران: وزارت امور خارجه.
- کولایی، الهه و علیرضا نوری (۱۳۸۹)، «عمل‌گرایی پوتین و تغییر در رویکردهای سیاست خارجی روسیه»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۰، شماره ۲.
- کولایی، الهه (۱۳۹۴)، «دلایل حضور روسیه در سوریه؛ روسیه ایران را رقیب خود می‌داند»، *خبر آنلاین*، در: <http://www.khabaronline.ir/detail/>.
- کولایی، الهه (۱۳۹۴)، «مناقشه سوریه به‌سادگی پایان نمی‌یابد؛ حضور نظامی روس‌ها در عراق محتمل است»، در: <http://www.ccsi.ir/vdceoz8z.jh8wwi9bbj.html>.

### ب) انگلیسی

- Baker, James (2002), "Russia in NATO", *The Washington Quarterly*, Vol. 25, No. 1.
- Blank, Stephen (2006), "Russia's Military Doctrine Reflects Putin's Paranoia and Siege Mentality", available at: [http://www.jamestown.org/search/searchresults/?no\\_cache](http://www.jamestown.org/search/searchresults/?no_cache).
- Bluth, C. (1996), *New Thinking in Soviet Military Policy*, London: Royal Institute of International Affairs.
- Griffiths, M. (2007), *International Relations Theory for the Twenty-First Century*, Milton Park, Abingdon, Oxon: Routledge.
- Wieclawski, Jacek (2011), "Contemporary Realism and the Foreign Policy of the Russian Federation", *International Journal of Business and Social Science*, Vol.2, No.1.
- Kanet Roger, E., Homarac, Larisa (2007), *The US Challenge to Russian Influence in Central Asia and the Caucasus*, Palgrave Macmillan UK.
- Klein, Margaret (2015), "Russia's New Military Doctrine, NATO, the United States and the "Colour Revolutions", available at: [https://www.swp-berlin.org/fileadmin/contents/.../2015C09\\_kle.pdf](https://www.swp-berlin.org/fileadmin/contents/.../2015C09_kle.pdf), (Accessed on: 24/10/2015).

Kureev, Artem (2013), "Russia's New National Security Strategy has Implications for the West", available at: <http://www.russia-direct.org/opinion/russias-new-national-security-strategy-has-implications-west>.

Feneno, Alexey (2015), "Reality and Myths of the Putin Doctrine in the Post-Soviet Space", <http://www.russia-direct.org/opinion/reality-and-myths-putin-doctrine-post-soviet-space>.

Goble, Paul (2016), "Moscow Appears to Be Playing a Most Dangerous Game With the Islamic State", available at: [http://www.jamestown.org/single/?tx\\_ttnews\[tt\\_news\]=44102&no\\_cache=1#.V0HfrOTF7IU](http://www.jamestown.org/single/?tx_ttnews[tt_news]=44102&no_cache=1#.V0HfrOTF7IU).

Ivanov, Sergei (2014), "Russia's Armed Forces and Its Geopolitical Priorities", available at: <http://www.polit.ru>.

Mangold, Peter (1990), **National Security and International Relations**, New York and London: Routledge.

Mairbek, Vatchagaev (2013), "Islamic State Causes Turmoil and Divisions Among North Caucasus Militant Leaders", available at: [http://www.jamestown.org/programs/edm/single/?tx\\_ttnews\[tt\\_news\]=43996&Hash=1e9bd2e5181ddd349fd6c63b064f35da#.V0HgA-TF7IU](http://www.jamestown.org/programs/edm/single/?tx_ttnews[tt_news]=43996&Hash=1e9bd2e5181ddd349fd6c63b064f35da#.V0HgA-TF7IU).

Markedonov, Sergey (2015), "Why Russia's 'Borderization' Strategy Makes Georgia so Nervous", available at: <http://www.russia-direct.org/opinion/why-russias-borderization-strategy-makes-georgia-so-nervous>.

Mersheimer, John (2001), **The Tragedy of Great Power Politics**, New York: Norton.

Roger, McDermott (2014), "Moscow Prepares Revised Military Doctrine", available at: [http://www.jamestown.org/single/?tx\\_ttnews\[tt\\_news\]=42806#.V0HgweTF7IU](http://www.jamestown.org/single/?tx_ttnews[tt_news]=42806#.V0HgweTF7IU).

Roger, McDermott (2016), "Russian Military Reform: The Ukraine Conflict and Its Impact on Morale, Publication", [http://www.jamestown.org/programs/edm/single/?tx\\_ttnews\[tt\\_news\]=44187&Hash=31d9a573ab8dd0fa0496411743aec906#.V0HhT-TF7IU](http://www.jamestown.org/programs/edm/single/?tx_ttnews[tt_news]=44187&Hash=31d9a573ab8dd0fa0496411743aec906#.V0HhT-TF7IU).

Savelyev, Alexander (2008), "Russia's Military Doctrine Reflects Putin's Paranoia and Siege Mentality", [http://www.jamestown.org/programs/edm/single/?tx\\_ttnews\[tt\\_news\]=43237&Hash=cf5f42c2c25a411960bc1adf004c81#.V0HhkOTF7IU](http://www.jamestown.org/programs/edm/single/?tx_ttnews[tt_news]=43237&Hash=cf5f42c2c25a411960bc1adf004c81#.V0HhkOTF7IU).

Trenin, Dmitri (2004), **New Tendencies in Russia's Foreign Policy, Carnegie Endowment for International Peace**.

Russia's Military Doctrine (2000), available at: <http://goo.gl/gEAZHq>.